



۲۰۱۸/۱۱/۲۹

م. اسحاق نگارگر

## یکی نیست برای من بگوید که ترا با این کنجاوی ها چه کار؟



دیشب سرفه های پیهم مجال خوابیدن را از من گرفته بود و فکر پاشان من در کوچه های آشفته فکری سیر می کرد و هر لحظه از من چیزی تازه می پرسید و غالباً یک پرسش با پرسش دیگر هیچ گونه رابطه منطقی نداشت. با خود گفتم: «مبادا تب داشته باشم و این پرسش های با همدیگر بی ارتباط ناشی از نوعی هذیان تب باشد!»

یکی از همین پرسش که ممکن در حالت عادی هرگز به فکرم خطور نمی کرد همین بود که: «بانوی اول یعنی چه و افغانستان چرا باید بانوی اول داشته باشد؟ من می دانستم که امریکا برای خانم رئیس جمهور یک لقب اعزازی و غیر رسمی به نام «First Lady» دارد ولی آن مقام دارای هیچ گونه کرچ و کلاه رسمی نیست و در آن دیار که گویی در درختانش به جای برگ دالر می روید این بانوی اول دفتر خاص و مشاوران معاش بگیر ندارد و حتی در بودیجه دولتی یک سنت هم برای مصارف دفتر بانوی اول اختصاص نداده اند. اما، ما افغان ها که دست شادی های جنگل های هندوستان را در تقلید از دیگران بسته ایم ناگزیر با خود گفته ایم» حالا که امریکای ابر قدرت که روباه حیلہ گر عرصه سیاست است فرست لیدی دارد ما که «شیر» استیم و دیگران در برابر هیبت و شجاعت ما لرزیده اند از امریکا چه کمی داریم که بانوی اول نداشته باشیم و به همین دلیل این مقام دفتردار و صاحب کرچ و کلاه را با مشاوران معاش بگیر ایجاد کردیم.

فکرم عقبگردی در تاریخ کرد که برای چهل سال یک ظاهر شاه داشتیم و یک ملکه حمیرا که هر دو مانند دو سنگ سنگین بر برج عاج تاریخ ما نشسته بودند و خوشبختانه آن ملکه معظمه هم نه دفتری داشت و نه مشاور و هنگامی که کدام مهمان خارجی با همسر خود هوای سفر در کشور ما می کرد نامی از ملکه حمیرا می شنیدیم و بس.

از همین نقطه گذشته فکرم پروازی به سوی آینده کرد و با خود گفتم:

«فرض کنیم که به گفته مزاری ها شیطان دهل را چپه نواخت و جناب محقق یا دوستم و یا یکی دیگر از رهبران که پیش از یک زن دارند به مقام ریاست جمهوری رسیدند آیا در همان روز اول ریاست جمهوری شان « انباق ها -

سیاه بخت و سفید بخت به جان هم نمی افتند و همدیگر را با چنگ و ناخن پرت و پوست نمی کنند و آیا آن شوهر «متعدد الزوجات» مجبور نخواهد شد که مقامی تازه به نام «سه نُخست بانوی کشور» ایجاد کند و آیا این پایان کار خواهد بود و آن سه نخست بانو برای خود تقاضای دفترهای جداگانه و مشاوران جداگانه نخواهند کرد و بر سر گزینش بانوان مشاور خود و مشاوران خود را پرت و پوست نخواهند کرد؟

تا همین جا رسیده بودم که تریاک همین فکر های واهی خواب به چشم آورد و در خواب دیدم که "دونالد ترامپ" متهم به یک واترگیت دوم گردیده است و از او سلب صلاحیت کرده اند و در یک انتخابات تازه "هلری کلنتن" رئیس جمهور گردیده و مشاوران خود را فرا خوانده است تا برای شوهرش بل کلنتن مقام «First gentleman» را منظور کنند.

آخر اگر خانم یک مرد پس از آن که شوهرش رئیس جمهور می شود به مقام بانوی اول می رسد در این دنیای مساوات زن و مرد شوهر مادر مُرده یک زن چه گناه کرده است که به مقام «آقای اول» نرسد.

دیدم که این غربی های پول پرست و پول ساز در بند این گونه تشریفات نیستند و این ما استیم که پول خیرات و گدایی را به شاخی باد می کنیم زیرا که خود پیدا گر پول نیستیم و نمی دانیم که یک کارگر امریکایی برای بیست دالر دو ساعت کمر خم می کند و پنج دالر را به دولت خود تکس می دهد و ما از همان پنج دالر تکس اوست که ساعت های رولکس بیست هزار دالری به بند دست می بندیم.

با حمله دوم سرفه ها از خواب پریدم و با خود گفتم: «یکی نیست به من بگوید که ترا با این معقولات چه کار؟» درست است که این معقولات به من ربطی ندارد اما ما مردم عمل می کنیم ولی به عواقب آن التفات نه.

فاعتبروا یا اولی الابصار - نگارگر ۲۶ نومبر ۲۰۱۸ برمنگهم



### تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با اجرای "کلیک" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "آرشیف" شان رهنمائی شوند!